



A Comparative Study of Court Intervention in the Arbitration Process in the Laws of Iran and the United States of America

Mehdi Hashtroudi Mahmoudi¹, Seyyed Vahid Lajevardi², HamidReza AliKarami³

1. Department of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Arak Unit, Islamic Azad University, Arak, Iran.

2. Department of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

3. Department of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 429-442

Article history:

Received: 24 Oct 2023

Edition: 3 Han 2024

Accepted: 5 Mar 2024

Published online: 20 Jul 2024

Keywords:

arbitration, intervention in arbitration, court, legal error, annulment.

Corresponding Author:

Seyyed Vahid Lajevardi

Address:

Iran, Arak, Islamic Azad University, Arak Branch, Faculty of Law and Political Sciences, Department of Private Law.

Orchid Code:

0009000472775371

Tel:

09122514811

Email:

Sv.Lajevardi@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: In Iranian law, arbitration is considered as one of the dispute resolution methods, which is defined in the commercial law approved in 1352. In this method, the arbitrator issues the final decision according to the conditions and documents raised. In many cases, commercial contracts include arbitration clauses, and in case of disputes, the parties must refer to arbitration.

Materials and Methods: The current article is theoretical and the analytical descriptive method is used. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the text, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: In American law, arbitration is recognized as an acceptable dispute resolution method. In this method, the arbitrator issues the final decision according to the conditions and documents raised. However, in the United States, there are federal arbitration laws and state arbitration laws that set specific conditions and limitations for arbitration.

Conclusion: In the intervention of the court, the court can comment on the correctness and validity of the arbitration decision. In Iranian law, the court can cancel the arbitration decision if there is a legal error or illegal preferences. In American law, if there is a legal error or illegal preferences in the arbitration decision, the court can cancel it or return it to the arbitrator to issue a new decision.

d

Cite this article as:

Hashtroudi Mahmoudi M, Lajevardi SV, AliKarami HR. A Comparative Study of Court Intervention in the Arbitration Process in the Laws of Iran and the United States of America. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



بررسی تطبیقی مداخله دادگاه در روند داوری در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا

مهدی هشترویدی محمودی^۱، سید وحید لاجوردی^۲، حمیدرضا علی کرمی^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
۲. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
۳. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در حقوق ایران، داوری به عنوان یکی از روش‌های حل اختلافات مطرح است که در قانون تجارت مصوب ۱۳۵۲ تعریف شده است. در این روش، داور با توجه به شرایط و مستندات مطرح شده، تصمیم نهایی را صادر می‌کند. در بسیاری از موارد، قراردادهای تجاری شامل شرایط داوری هستند و در صورت بروز اختلاف، طرفین باید به داوری مراجعه کنند.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر نظری و از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در حقوق آمریکا نیز داوری به عنوان یک روش حل اختلافات قابل قبول شناخته شده است. در این روش، داور با توجه به شرایط و مستندات مطرح شده، تصمیم نهایی را صادر می‌کند. با این حال، در آمریکا، قانون فدرال داوری و قانون‌های داوری ایالتی وجود دارد که شرایط و محدودیت‌های خاصی برای داوری تعیین می‌کنند.

نتیجه: در مداخله دادگاه، دادگاه می‌تواند در مورد صحت و معتبر بودن تصمیم داوری اظهار نظر کند. در حقوق ایران، دادگاه می‌تواند در صورت وجود خطای قانونی یا ترجیحات غیر قانونی در تصمیم داوری، آن را لغو کند. در حقوق آمریکا نیز دادگاه می‌تواند در صورت وجود خطای قانونی یا ترجیحات غیر قانونی در تصمیم داوری، آن را لغو کند یا به داور برگشت دهد تا تصمیم جدیدی صادر کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۲۹-۴۴۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

واژگان کلیدی:

داوری، مداخله در داوری، دادگاه، خطای قانونی، ابطال.

نویسنده مسئول:

سید وحید لاجوردی

آدرس پستی:

ایران، اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

0009000472775371

تلفن:

۰۹۱۲۲۵۱۴۸۱۱

پست الکترونیک:

Sv.Lajevardi@iau.ac.ir

۱. مقدمه

تصویب قوانین متعدد، نهاد داوری نتوانسته است کارایی خود را در حل و فصل اختلافات به شیوه مطلوبی به اثبات برساند. از این رو از اقبال چندانی برخوردار نبوده و نیست. به نظر می‌رسد این تفاوت نگرش اشخاص در توسل به این شیوه عمدتاً ناشی از کارکرد متفاوت این نهاد در دو کشور موضوع مطالعه است. برای مثال در نظام حقوقی آمریکا قانون‌گذار در حد امکان از وابستگی نهاد داوری به دادگاه دولتی کاسته است و تلاش نموده داوری را در راستای اهدافش تقویت نماید. لذا به‌عنوان اولین گام در حد امکان از مداخله دادگاه دولتی در نهاد داوری کاسته است. در صورتی که داور موضوع جرح، به ایراد یکی از اصحاب دعوا مبنی بر فقدان صلاحیتش توجه ننماید در نظام حقوقی ایران جرح‌کننده مجاز به مراجعه به دادگاه دولتی جهت اثبات جرح داور است. فرصتی که در برخی مواقع اثرش اخلال در عملکرد نهاد داوری تلقی می‌شود. حال آنکه قانون داوری فدرال آمریکا هیچ‌گونه مجالی برای مراجعه طرفین به دادگاه دولتی جهت جرح داوران قایل نشده است و با حکمی کلی در ماده ۱۰ قانون داوری فدرال به ذی‌نفع اجازه داده است جرح داور را فقط در قالب اقامه دعوی بطلان رای داور مطرح نماید. این نگرش موجب شده است که بررسی جرح داور در دوران بعد از صدور رای مورد ارزیابی دادگاه دولتی قرار گیرد و به این ترتیب یکی از مهم‌ترین عوامل اطاله دادرسی در نهاد داوری را در نطفه خفه نموده است که در مقاله حاضر ابعاد این نگرش مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

مداخله دادگاه در فرایند داوری در ایران می‌تواند از همان آغاز با انتخاب داور برای طرف ممتنع یا انتخاب داور با ارجاع طرفین به دادگاه برای انتخاب داوری شروع شده و با اقداماتی همچون ابلاغ و اخطار در جریان رسیدگی داوری، صدور و اجرای دستور موقت و تأمین خواسته، طی فرایند ابلاغ به کارشناس و دریافت هزینه داوری و کارشناسی به حساب اعلامی دادگستری ادامه یابد. در نهایت رأیی که توسط داور صادر می‌شود، امکان اعتراض در دادگاه صالح را دارد و می‌تواند ابطال گردیده و یا معتبر شناخته شود.

اصالت داوری اقتضا می‌کند ابعاد مختلف وابستگی نهاد داوری به دادگاه‌های دولتی بررسی شود تا راهکار مناسبی جهت کاهش این وابستگی شناسایی و ارائه گردد. بدون شک نگاهی تطبیقی به موضوع و بررسی رویکرد یکی از کشورهای توسعه‌یافته در این زمینه پژوهش حاضر را در بررسی دقیق‌تر یاری خواهد کرد. از این رو بررسی موضع نظام حقوقی آمریکا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای توسعه‌یافته را مبنای مطالعات تطبیقی خود قرار دادیم تا با شناسایی نقاط قوت آن نظام حقوقی و انطباق آن بر قواعد حقوقی نظام حقوقی ایران نسبت به اعتلای این نهاد و ترغیب اشخاص به توسل به این نهاد گامی مثبت برداشته شود. نگاهی اجمالی به نظام حقوقی آمریکا و مقایسه آن با نظام حقوقی ایران حکایت از این واقعیت دارد که به رغم حاکمیت قانونی موجز و مختصر تحت عنوان قانون داوری فدرال آمریکا که در سال ۱۹۲۵ به تصویب رسیده است، اشخاص به‌ویژه تجار تمایل بیشتری در توسل به این شیوه جایگزین حل و فصل اختلافات دارند. حال آنکه در ایران به رغم

فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در حقوق آمریکا نیز داوری به‌عنوان یک روش حل اختلافات قابل قبول شناخته شده است. در این روش، داور با توجه به شرایط و مستندات مطرح‌شده، تصمیم نهایی را صادر می‌کند. با این حال، در آمریکا، قانون فدرال داوری و قانون‌های ایالتی وجود دارد که شرایط و محدودیت‌های خاصی برای داوری تعیین می‌کنند.

۵. بحث

۵-۱. داوری در حقوق ایران و آمریکا

برخی معتقد هستند ماده ۲۸۸ قانون آئین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) اشاره به ماهیت قضایی داوری در نظام حقوقی ایران دارد (جنیدی، ۱۳۹۵، ۸۹). بر این مینا گفته شده است داوری دارای دو عنصر با ویژگی است: الف) بدون توافق طرفین در مورد رضایت دادن به این روش، داوری هرگز امکان‌پذیر نیست (ویژگی قراردادی). ب) داور به‌عنوان یک دادرس خصوصی از سوی طرفین انتخاب شده و باید به ترتیب مقرر با موضوع مطرح‌شده در نزدش رفتار کند. به همان صورتی که دادرس عمل می‌کنند (یعنی ویژگی قضایی).

در قواعد داوری آمریکا، نیز چنان‌که طرفین قادر نباشند تا در خصوص تعیین و نصب داوران خود توافق کنند، انجمن بعد از دعوت و مشاوره با طرفین، داوران را انتخاب خواهد نمود. همان‌گونه که پیداست در این نوع از داوری‌ها (داوری‌های سازمانی)، در تعیین و نصب داوران، دادگاه‌های ملی نقش بسیار کم‌رنگی دارند و شاید بتوان گفت که جایی برای ایفای نقش دادگاه در این خصوص وجود ندارد. در خصوص بررسی تطبیقی داوری در حقوق ایران و آمریکا پژوهش‌های متعددی انجام شده است. فرزاد دیلمقانی‌زاده، افشین زرگر و فاطمه کیهانلو (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی جایگاه داوری در نظام حقوقی ایران و آمریکا با تأکید بر قوانین داخلی پرداخته‌اند. جعفر براتی، احمد خسروی و حمید برزگری دهج (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای، مصونیت داور در حقوق ایران را در مقایسه با نظام داوری تجاری بین‌الملل و نظام داوری داخلی ایالات متحده آمریکا و انگلستان و ولز مورد بررسی قرار داده‌اند. مازیار راستبد و عبدالله رستمی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای، اصل استقلال شرط داوری در حقوق ایران و آمریکا را مورد بررسی قرار داده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به مقالات انجام‌شده این است که در این مقاله به بررسی تطبیقی مداخله دادگاه در روند داوری در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا پرداخته شده است. در واقع هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال مهم است که مداخله دادگاه در روند داوری در حقوق ایران در مقایسه با ایالات متحده آمریکا چگونه است؟

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر نظری و از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از

۵-۲-۱. اصل مداخله دادگاه در داوری

قرارداد داوری توافقی است بین طرفین که اساس کار داوری بر آن مبتنی است. طرفین موافقتنامه داوری، با انعقاد آن، اراده خود را مبنی بر ارجاع منازعه و اختلاف موجود یا احتمالی به داوری اعلام نموده‌اند؛ اما فرض خلاف آن نیز قابل تحقق است. بدین معنی که علی‌رغم وجود موافقتنامه داوری، یکی از طرفین، دعوای موضوع موافقتنامه را در دادگاه اقامه نماید. به همین جهت، شرایط عمومی قراردادهای داوری در مورد آن‌ها قابلیت اعمال را دارد. قرارداد بین داور و طرفین اختلاف داور را مکلف می‌سازد که اقدامات ضروری را در جریان داوری به عمل آورد. صرف نظر از این مطلب، هدف چنین قراردادی واگذاری اختیار به اشخاص ثالث برای تصمیم‌گیری در خصوص اختلاف طرفین است. درحالی که قرارداد داوری منعقد شده بین طرفین دعوی مقدمه جریان رسیدگی داوری است. قرارداد لاحق بین داور و طرف‌های اختلاف، وسیله‌ای در اجرای قرارداد سابق بین اطراف اختلاف محسوب می‌شود. قرارداد داوری تنهایی به برای آغاز رسیدگی‌های داوری کافی نیست.

مداخله در جایی معنا دارد که داوری را به‌عنوان یک نهاد برای حل و فصل اختلافات و جایگزین روش قضایی حل و فصل اختلافات در دادگاه‌ها توسط نظام حقوقی پذیرفته شده باشد. بنابراین در کشور انگلستان که در ابتدا توافقی به داوری جهت حل و فصل اختلافات را اصلاً نمی‌پذیرفتند و باطل می‌دانستند مداخله دادگاه در فرایند داوری به این معنای امروزی تحقق نمی‌یافت. شاید گفته شود اینکه دادگاه‌ها این نوع توافق را نمی‌پذیرفتند خود

در حقوق آمریکا، قانون داوری فدرال گستره بسیار وسیعی را شامل می‌شود و در این باب محدودیتی وجود ندارد. فقط در مورد موضوعاتی که با نظم عمومی مخالف باشند نمی‌توان به داوری مراجعه نمود. وجود عدم محدودیت ارجاع در موضوعات مختلف به داوری جامعه را به سوی داوری تشویق می‌نماید. چراکه در بحث زمان و هزینه داوری مناسب‌تر از مراجعه به سیستم قضایی کشور است و مزایای دیگری نیز در بحث داوری نهفته است که در محاکم قضایی وجود ندارد. اختیارات داوران وسیع‌تر از دادگاه‌ها می‌باشد. چراکه دادگاه‌ها نمی‌توانند از شیوه‌های دادرسی، خارج و منحرف شوند. درحالی که داوران بر اساس موافقتنامه بین طرفین گستره اختیارات خودشان را با توافق طرفین کسب می‌نمایند.

در ایالات متحده اصل بر این است که داور همچون قاضی از مسئولیت مدنی ناشی از اعمالی که در تصمیم‌گیری‌اش به عهده می‌گیرد مبرا است؛ حتی اگر بی‌دقت باشد و رأی نادرست صادر نماید. مهم‌ترین نهاد داوری در آمریکا انجمن داوری آمریکا است که در سال ۱۹۲۶ ایجاد شد. این انجمن به حل و فصل اختلافات راجع به همه نوع پرونده‌ها در همه ایالت‌های آمریکا می‌تواند رسیدگی نماید و به بخش و یا موضوع خاصی محدود نمی‌شود. اکثر اختلافات تجاری بین‌المللی توسط انجمن داوری آمریکا و بر طبق قواعد داوری آن مورد رسیدگی قرار می‌گیرد (نیک‌بخت، ۱۳۹۰، ۱۲۵).

۵-۲. مداخله دادگاه در داوری در حقوق ایران

در این قسمت به بررسی مداخله دادگاه در داوری در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

المللی جلوگیری نمایند و یا اینکه این مداخله را در مواردی که الزامی است حتی المقدور به نهاد داوری واگذار نمایند. از این رو در قوانین کشورهای مثل فرانسه، انگلستان و حتی خود ایران که از قانون نمونه الگو گرفته‌اند، مداخله محدود دادگاه در داوری پیش‌بینی شده است. در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران انواع مداخله‌ها پیش‌بینی شده است» (محبی و همکاران، ۱۳۹۵، ۹). در ماده ۶ این قانون دادگاه صالح تعیین شده است. هم‌چنین انجام وظایف مندرج در ماده ۹ بندهای ۳ و ۴ و نیز وظایف پیش‌بینی شده در ماده ۱۱ بند ۳ و نیز مواد ۱۳ و ۱۴ بند ۳ ماده ۱۶ و ماده ۳۲ و ماده ۲۵ این قانون به عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقر داوری در آن قرار دارد و تا وقتی که مقر داوری مشخص نشده است به عهده دادگاه عمومی تهران است. جالب است که تصمیمات دادگاه در این موارد قطعی و غیر قابل اعتراض است. هم‌چنین در داوری سازمانی نیز انجام وظایف مندرج در بندهای ۲ و ۳ از ماده ۱۵ و بند ۳ از ماده ۱۳ و بند ۱ از ماده ۱۴ به عهده سازمان داوری مربوط است.

با وجود این، در منابع موجود مفهوم مداخله دادگاه به صورت صریح تعریف نشده است؛ اما در ماده ۷ پیش‌نویس لایحه جامع داوری ایران به این موضوع پرداخته است. نکته قابل توجه در این پیش‌نویس آن است که عنوان مداخله دادگاه یکی از فصول باب اول را به اختصاص داده است؛ به طوری که عنوان فصل سوم از باب اول صرفاً با مداخله دادگاه تعریف شده است (صفایی، ۱۳۹۷، ۸۹). در این فصل تنها یک ماده و یک تبصره ذکر شده است که در آن هم به صورت صریح مداخله دادگاه تعریف نشده است در ماده ۷

مصدق مداخله می‌باشد. زیرا اکنون هم اگر دادگاه‌ها اعلام کنند که موافقت‌نامه داوری بی‌اعتبار است، جزء موارد مداخله دادگاه محسوب می‌شود. مداخله هنگامی است که اصل وجود چیزی پذیرفته شده باشد و در قلمرو آن بخواهد بحث شود (طباطبایی-نژاد، ۱۳۹۵، ۶۱).

مداخله در قلمرو داوری می‌تواند هر دو معنای منفی و مثبت را داشته باشد. در حقیقت در جایی که دادگاه‌ها به عنوان نیروی کمک بیرونی در جهت حرکت و بهبود کیفیت و کارایی جریان داوری عمل می‌کنند مداخله معنای مثبت دارد و در این ظلمر و مداخله به سطح مساعدت و نظارت تغییر جهت معنایی می‌دهد. اگر دادگاه‌ها بدون فهم روح و فلسفه و میانی داوری به عنوان مانع در جهت حرکت و ارتقای داوری عمل‌کننده مداخله بار منفی خود را آشکار می‌کند (اسکینی، ۱۳۹۷، ۹۰). از همین رو در تعریف مداخله گفته‌اند: مساعدت دادگاه به داوری جهت رفع موانع آن را که گاه مفید و گاه مضر می‌باشد مداخله دادگاه در روند داوری گویند. مداخله دادگاه در روند داوری در قوانین مختلف پیش‌بینی شده است. حتی در قوانین بین‌المللی نیز مواردی وجود دارد از جمله در کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در مورد شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی به این موضوع اشاره شده است. هم‌چنین در ماده ۵ قانون نمونه انسیترال آمده است: «در موضوعات مشمول این قانون هیچ دادگاهی نمی‌تواند مداخله کند؛ مگر در جایی که در این قانون پیش‌بینی شده باشد» (بختیاری فر، ۱۳۹۳، ۴۶). «در واقع قانون نمونه این توصیه را به اعضای خود می‌نماید که حتی -الامکان از مداخله دادگاه در روند داوری تجاری بین-

آن دادگاه می‌توانست در صورت تخلف داوران رأی آنان را از اعتبار ساقط کند صدور برگ اجرائیه نسبت به رأی داور نیز با همان دادگاه بود (محمدزاده اصل، ۱۳۸۹، ۶۰-۵۹).

سپس قانون حکمیت مصوب ۲۹/۱۲/۱۳۰۶ به تصویب رسید به موجب این قانون علاوه بر تصریح نسبت به حکمیت ارادی در صورت تقاضای یکی از طرفین محکمه مکلف به ارجاع دعوا به حکمیت بود. در این قانون مداخله دادگاه در تعیین حکم (داور) و صدور اجرائیه و غیره در نظر گرفته شده بود. در تیرماه ۱۳۰۷ برای اولین بار قانونی وضع شد که ارجاع اختلاف‌های آتی را به داوری به صورت شرط ضمن عقد به رسمیت شناخت (قانون مصوب ۱۳۰۶) حکمیت اجباری) به دلیل نادیده گرفتن جوهر و ذات داوری که قراردادی بودن و حاکمیت اراده می‌باشد با تصویب قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۸ ملغا گردید.

به دنبال قوانین فوق قانون‌گذار با تصویب قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ با استفاده از تجربه‌های حاصله باب هشتم قانون مزبور را با اصلاحاتی سودمند جانشین تمام قوانین بالا کرد. در حقیقت همین قانون پایه و اساس قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ را تشکیل می‌دهد. بعد از تصویب قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، قوانین زیادی در خصوص داوری وضع شد که قانون‌گذار در اغلب آن‌ها از نقش دادگاه بی‌توجه نبوده است. به طوری که از بدو امر داوری تا بعد از صدور رأی داوری مقرراتی را در خصوص نحوه و حدود مداخله دادگاه در روند داوری وضع نموده است (مافی و همکاران، ۱۳۹۶).

سرانجام قانون‌گذار با وضع چهار قانون گام مهمی را در عرصه داوری اعم از داوری‌های داخلی و بین‌المللی

این پیش‌نویس آمده است. در کلیه مواردی که در این قانون انجام امری بر عهده دادگاه قرار گرفته است در داوری‌های داخلی به عهده دادگاه صالح برای رسیدگی به اصل دعوا و در داوری‌های بین‌المللی به عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقر داوری در آن قرار دارد و تا زمانی که مقر داوری مشخص نشده بر عهده دادگاه عمومی تهران است. در تبصره این ماده نیز هیچ اشاره‌ای به مفهوم مداخله دادگاه نشده است. بنابراین می‌توانیم مفهوم مداخله دادگاه را به بداعت آن حمل کنیم و عدم تعریف این مفهوم در منابع قانونی و ادبیات علمی را ناشی از همین موضوع بدانیم روش علمی ایجاب می‌کند که مفاهیمی علمی هرچند بدیهی هستند به صورت خاص مورد تعریف قرار گیرند. بر این اساس در مقام تعریف مفهوم مداخله دادگاه می‌توان ادعا کرد که مداخله دادگاه در فرایند داوری زمانی اتفاق می‌افتند که سه عنصر (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲)، زیر موجود باشد: ۱- انجام امری بر عهده دادگاه قرار گیرد. ۲- امر مزبور در یکی از مراحل قبل از داوری، حین داوری یا پس از داوری بر عهده دادگاه قرار گرفته باشد. ۳- منشأ مداخله دادگاه حکم قانون‌گذار باشد.

در حقوق ایران، قانون موقتی محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰ یکی از فصول خود را صرف تنظیم قواعد مربوط به حکمیت کرد که طبق آن طرفین می‌توانستند به موجب قرارنامه‌ای ضمن عقد، لازم، حکمیت در آن را به یک یا چند نفر واگذار کنند. رأی داوران می‌بایست موافق انصاف و دلیل صادر می‌شد و قابل استیناف و تمییز هم نبود. بنابراین در صورت تجاوز از حدود اختیار و تخلفات دیگر قابل شکایت در دادگاهی بود که اصل شکایت به آن تقدیم شده و

ضمنی از مداخله ماهینی در موضوع داوری منع کرده است. برای نمونه ماده ۴۶۸ مقرر می‌دارد دادگاه پس از تعیین داور یا داوران و اخذ قبولی نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام و نام خانوادگی داور یا داوران و مدت داوری را کتباً به داوران ابلاغ می‌نماید. در این مورد ابتدای مدت داوری تاریخ ابلاغ به همه داوران می‌باشد. بنابراین می‌توان بیان داشت که داوری در طی دوران متوالی ذیل قوانین مختلف از دیدگاه قانون‌گذار مورد اهمیت ویژه‌ای قرار داشته است و در این امر از وضع موادی در زمینه مداخله دادگاه با هدف مساعدت و نظارت بی‌توجه نبوده است.

۵-۲-۲. حدود دخالت دادگاه در رسیدگی‌های داوری

در خصوص نظام داوری داخلی باید گفت این نظام هم‌چنان بر مبنای ایده‌های سال‌های گذشته استوار بوده و با رویه‌های مدرن داوری دنیا سازگار نمی‌باشد. به‌عنوان مثال عدم اعطای اختیار به دیوان داوری برای صدور دستور موقت، فراهم کردن زمینه‌های گسترده برای ابطال آرای دیوان‌های داوری توسط دادگاه‌ها و عدم به رسمیت شناختن داوری از جمله مواردی هستند که مخالف با روح داوری و مغایر با ایده‌ها و رویه‌های مدرن داوری می‌باشد. موارد ذکرشده نه‌تنها باعث تسریع و تسهیل در رسیدگی به اختلافات توسط داوری نمی‌شوند؛ بلکه می‌توانند منجر به دخالت دادگاه‌ها در امور ماهوی گردند (ابریشمی، ۱۳۹۵، ۲۱).

در گذشته دادگاه‌ها داوری را رقیب خود می‌دانستند و به این دلیل از کلیه دلایل موجود برای

سازمانی و موردی برداشته است که به ترتیب قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۲۶/۶/۱۳۷۶ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم‌شده در نیویورک به تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی مصوب ۲۲/۱/۱۳۸۰ قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران مصوب ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ می‌باشد.

ماده ۶ ق. د. ت. ب. مزبور با عنوان مرجع نظارتی به ذکر موارد مداخله دادگاه در روند داوری پرداخته است. به‌موجب این قانون دادگاه از تعیین داور تا ابطال رأی داوری نقش به‌سزایی دارد. با وجود این در این زمینه مداخله دادگاه بی‌حد و مرز نیست؛ بلکه ملزم به رعایت مقرراتی از جمله تعیین داور مطابق توافق طرفین عدم مداخله ماهینی نسبت به اختلاف موضوع موافقت‌نامه در زمان صدور اجرائیه و غیره می‌باشد.

به نظر می‌رسد که قانون‌گذار با وضع موادی چون ماده ۹ و بندهای ۳ و ۴ ماده ۱۱ بند ۳ ماده ۱۳، بند ۱ ماده ۱۴، بند ۳ مواد ۱۶ ۳۳ ۳۴ ۳۵ این قانون با برشمردن موارد مداخله دادگاه در روند داوری در صدد وضع «اصل عدم مداخله دادگاه در نهاد داوری می‌باشد. هم‌چنین قانون‌گذار با تصویب قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ و برشمردن یکایک موارد مداخله دادگاه از زمان تشکیل موافقت‌نامه داوری تا اجرای رأی در صدد پیروی از اصل یادشده که در قانون داوری تجاری بین‌المللی بنا نهاده است. یعنی اصل را بر عدم مداخله دادگاه‌ها نهاد و در هر جای که از مداخله آن صحبت شده، بعد از اجرای تکلیف دادگاه را مکلف به ارجاع امر به داوری و به دلالت

قضایی فرار نمود از بین ببرد. قانون داوری فدرال که در سال ۱۹۲۵ به تصویب رسید قانونی است که به دورانی پایان داده است که در طول آن دادگاه‌های آمریکایی خود را نسبت به اموری که به خاطر تخلف از شرط ارجاع امر به داوری در مقابلشان مطرح می‌شد صالح به رسیدگی می‌دانستند. طبق بخش دوم قانون داوری فدرال شرط ارجاع امر به داوری معتبر، غیر قابل نقض و قابل اجرا است. هدف آشکار قانون داوری فدرال این بود که از داوری مابه‌ازای با دوامی برای رسیدگی به دعاوی مطروحه در دادگاه‌های دادگستری به وجود آورد قانون داوری فدرال به شکل فعلی مفهوم اولیه و اساسی خود را حفظ کرده است. این قانون در سایه تفسیر دادگاه‌های فدرال که دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا پیش‌قراول آن محسوب می‌شود منبع قانونی اولیه برای دادگاه‌ها است تا بر مبنای آن رویه قضایی تأییدآمیزی در جهت توسل به داوری به وجود آورند (فرانسیس کلر، ۲۰۰۰، ۳).

قانون داوری فدرال مثل اغلب قوانین جدید داوری اصل استقلال اراده طرفین قرارداد را می‌پذیرد. بدین طریق پذیرفته شده است که داوری بر پایه رضایت طرفین استوار است. در چارچوب قانون فدرال انعطاف پذیری نحوه رسیدگی هم به اصل استقلال اراده طرفین افزوده شده است. بدین ترتیب، خارج از محدودیت‌هایی که ضرورت‌های نظم عمومی در زمینه رعایت اصول دادرسی مخصوصاً ترافیعی بودن محاکمات تحمیل می‌کند طرفین در انتخاب قواعد دادرسی قابل اعمال آزادند به علاوه مقامات قضایی موظف هستند گردش کار و اجرای احکام دادگاه‌های داوری را تسهیل نمایند. دادگاه‌ها نسبت به داوری اهرم‌های فشار محسوب می‌شوند و امکان می‌دهند تا

مداخله در کار داوران و آرای صادره از جانب آن‌ها استفاده می‌نمودند؛ ولی امروزه این طرز نگرش دادگاه‌ها نسبت به داوری تغییر بنیادی نموده است و دادگاه‌ها در اختلافات به‌ویژه از نوع تجاری از داوری استقبال می‌کنند و ارجاع به داوری را تشویق می‌نمایند. رابطه متقابل دادگاه و داوری، قبل از شروع رسیدگی به داوران اصولاً از زمانی شروع می‌شود که یکی از طرفین، اختلاف حادث شده بین خود و طرف مقابل را به داوری ارجاع می‌دهد. با این ادعا که بین او و خواننده دعوا، توافق‌نامه معتبری مبنی بر ارجاع اختلاف به داوری منعقد گردیده است. از همان ابتدا طرف مقابل ممکن است در حقیقت یا به‌منظور ایجاد اختلال در روند داوری، مدعی شود که اصولاً توافق‌نامه داوری وجود ندارد یا در صورت وجود بی‌اعتبار است یا نصب داوران یا تعویض آن‌ها ضروری باشد و از این جهت ضرورت مداخله دادگاه در روند داوری را ایجاب می‌نماید.

۳-۵. مداخله دادگاه در داوری در حقوق آمریکا

با اینکه داوری در حقوق آمریکا در اصل شبیه داوری در حقوق انگلیس بود و در اینجا نیز بر سر راه قبول آن محدودیت‌های جدی ایجاد کرده بودند؛ اما حقوق فعلی ایالات متحده آمریکا خواه مولود قوه قانون‌گذاری باشد و خواه رویه قضایی از سیستم حقوقی فرانسوی تبعیت کرده که به صراحت اعتبار شرط ارجاع امر به داوری و اقتدار آرای داوری را پذیرفته است. حقوق فعلی ایالات متحده آمریکا به یک ضرورت مبتنی بر واقع بینی تجاری پاسخ داده و موفق شده است هم مخالفت مقامات قضایی را نسبت به داوری خنثی سازد و هم این احساس را که داوری وسیله‌ای است که در پرتو آن می‌توان از حاکمیت

خارجی دارند. اگر هر دو طرف یک تابعیت داشته باشند، کنوانسیون فقط در مورد آن دسته از اختلافاتی قابل اعمال است که راجع به رابطه قراردادی در مورد ملکی است که در خارج واقع شده است یا در رابطه با قراردادی است که اجرای اختیاری با اجباری آن در خارج مورد نظر می‌باشد و با در خصوص هر روابط منطقی دیگر با یک یا چند کشور خارجی است. قانون داوری آمریکا، مثل قانون انگلیسی سال ۱۹۷۹ داوری بین‌المللی را در رابطه با تابعیت طرفین تعیین و مشخص می‌سازد؛ اما وقتی که هیچ یک از طرفین معامله تابعیت خارجی ندارند داوری بین‌المللی در رابطه با ضوابطی که بسیار واقع-بینانه‌تر از مفهوم انگلیسی قرارداد non domestics (غیر داخلی) است (کولسون، ۱۹۸۹، ۱۶۱) مشخص می‌شود. قانون آمریکا، مثل قانون فرانسه برای تشخیص اینکه آیا رأی داوری واجد خصوصیت بین‌المللی است و در نتیجه تحت حاکمیت مقررات کنوانسیون قرار می‌گیرد به آثار اقتصادی واقعی روابط تجاری موجود بین طرفین توجه دارد. همانند انگلستان و فرانسه برخورد دادگاه‌های آمریکایی نسبت به داوری برای حفظ روح کنوانسیون نیویورک در داخل سیستم حقوقی ملی واجد اهمیت اساسی است دادگاه‌های آمریکایی با پیروی از تصمیمات دادگاه عالی آمریکا نسبت به داوری عموماً و نسبت به داوری بین‌المللی خصوصاً، رفتاری مساعد دارند. مطالعه مواردی که اخیراً در دادگاه‌های فدرال مطرح شده است نشان می‌دهد که این دادگاه‌ها در آرای خود وجود داوری و اصل استقلال آن را پی در پی مورد تأیید قرار داده‌اند و قبول دارند. این تصمیمات متکی به دکترین فدرال مؤکدی است که از داوری پشتیبانی می‌کند عنوانی

طرفی را که از اجرای شروطی که در قرارداد معتبری وجود دارد یا از انتخاب داور امتناع می‌کنند تحت فشار بگذارند در راه رسیدن به این هدف قضات به-موجب قانون مکلف هستند که پیامدهای قضایی قرارداد داوری را مورد توجه قرار دهند. قرارداد معتبر داوری دادگاه‌ها را ناگزیر می‌سازد که کل دادرسی را تا تعیین تکلیف نسبت به اختلافی که قانوناً در صلاحیت داوری است معلق بگذارند در نهایت قانون فدرال کنترل قضایی محدودی را نسبت به آرای داوری پیش‌بینی کرده است (ویلنر، ۲۰۰۳، ۲۳).

عللی که به‌موجب آن‌ها ممکن است یک رأی داوری مورد تأیید قرار نگرفته و قابلیت اجرایی پیدا نکند مبتنی بر قاعده آئینی اجرای صحیح تشریفات دادرسی است که فقط در زمینه داوری از مفهوم فرانسوی ترفعی متأثر می‌باشد قبل از ۱۹۷۰ ایالات متحده، مثل انگلستان، امضاکننده هیچ یک از قراردادهای بین‌المللی راجع به داوری نبود در سال ۱۹۷۰ ایالات متحده با پیشنهاد دو شرط، یکی اینکه بر پایه عمل متقابل قابل اعمال باشد و دیگر اینکه فقط شامل اختلافاتی بشود که ناشی از قراردادهای تجاری یا روابطی باشد که از نظر قانون آمریکا تجاری محسوب می‌شوند کنوانسیون نیویورک سال ۱۹۵۸ راجع به داوری را امضا کرد. امضای کنوانسیون منتهی به تصویب قانون داوری ۱۹۷۰ شد. این قانون یک رشته مقررات جدید وارد قانون داوری فدرال سال ۱۹۲۵ نمود که از مقررات کنوانسیون گرفته شده است. مقررات پیش‌بینی شده در کنوانسیون نیویورک در مواردی قابل اعمال است که شرط ارجاع امر به داوری یا رأی داوری راجع به قراردادی باشد که لاقلاً یکی از طرفین آن تابعیت

از ارجاع امر به داوری که همان ایجاد مرجع خصوصی و عدم دخالت مراجع قضایی در موضوع اختلاف می- باشد معارض نباشد. اگر در مواردی دادگاه بدون اذن قانون و یا اصحاب دعوی در جریان داوری دخالت نماید، چه بسا باعث بی‌عدالتی و تضییع حق یکی از طرفین یا حداقل باعث اطاله رسیدگی و تأخیر در اجرای رأی داوری شود. داوری نهادی مستقل است که توسط قانون‌گذار به آن قدرت داده شده است و از ماهیتی قراردادی برخوردار است.

۶. نتیجه

داوری در فرایند خود که بعد از تشکیل شروع می‌شود به‌مانند فرآیند دادرسی قضایی قادر است به اشکال مختلفی تحت تأثیر مداخلات دادگاه‌های ملی واقع شود و این موضوع می‌تواند نشانگر آن باشد که دادگاه‌های ملی به هیچ وجه داوری را به حال خود و نگذاشته‌اند و در نتیجه داوری را به‌عنوان نهادی کاملاً مستقل از مراجع قضایی نمی‌توان به حساب آورد. هرچند داوری در فرایند خود سعی می‌کند متفاوت و مجرای از دادگاه‌های ملی عمل نماید؛ ولی به هیچ عنوان نمی‌توان نهاد داوری را دارای اختیارات و صلاحیت‌هایی دانست که بتواند به تنهایی و بدون مساعدت و نظارت دادگاه‌های ملی اقدام به رسیدگی و صدور رأی‌هایی بنماید. مشکلات و چالش‌هایی که در حین رسیدگی ایجاد می‌شود موجب شده است که دادگاه‌های ملی در جریان داوری دارای نقشی فعال باشند.

جریان داوری دقیق منطبق با فرایند دادرسی نیست و ممکن است منطبق با توافق‌نامه طرفین با قانون حاکم بر داوری صورت پذیرد و گاهی نیز این قبیل از انواع رسیدگی سبب آن می‌شود که به کلی اصول

که رویه قضایی دادگاه عالی آن را ساخته و پرداخته و بر آن مهر تأییدی زده که هم قانون فدرال و هم کنوانسیون نیویورک را در بر می‌گیرد (فرانسیس کلر، ۲۰۰۰، ۴).

آرای دادگاه عالی را در خصوص داوری می‌توان به سه گروه اساسی تقسیم کرد: اول، قدیمی‌ترین تصمیمات که راجع به مقررات داوری در حقوق داخلی است مخصوصاً تأثیر قانون داوری فدرال بر روابط بین دولت فدرال و ایالات ۱- داوری و فدرالیسم؛ دوم آرای جدیدتر که در حقوق داخلی صادر شده و موضع مساعد دادگاه عالی را در خصوص داوری مورد تأیید قرار داده است که آشکارا کاشف از تمایل به کم جلوه دادن تقسیم قدرت بین حکومت فدرال و حکومت‌های ایالتی به منظور تضمین پذیرش مطلوب داوری در نظام حقوقی آمریکا می‌باشد. ۲- آرای سه‌گانه جدید؛ سوم آرای که منحصراً به داوری تجارت بین‌المللی مربوط می‌شود. ۳- رویه قضایی در خصوص داوری تجاری بین‌المللی. در جریان صدور آرای اخیر، دادگاه عالی رابطه بین الزامات حقوقی ملی و ضرورت ایجاد یک نظام خاص بین‌المللی را مشخص نمود. محتوای این آرا نه تنها خبر از تولد حقوق مادی آمریکایی در زمینه تجارت و داوری فراملی می‌دهد؛ بلکه حکایت از امکان تأثیر چنین حقوقی بر روی تجارت و داوری داخلی می‌نماید (فرانسیس کلر، ۲۰۰۰، ۸).

با تأمل در موارد پیش گفته می‌توان به این نتیجه رسید که دخالت دادگاه‌ها در امر داوری نه تنها مخل جریان داوری نیست؛ بلکه می‌تواند جنبه حمایتی نیز داشته باشد. با وجود این، دخالت دادگاه باید دارای چارچوب و محدوده خاصی باشد تا با هدف طرفین

بین‌المللی ایران نیز شروع جریان داوری را بعد از ابلاغ درخواست داوری امکان‌پذیر دانسته است.

داوری در نظام حقوقی ایران به اهداف بنیادین نهاد داوری شامل قضاوت خارج از سیستم قضایی، سرعت بیشتر رسیدگی، محرمانه بودن اسرار قضایی و قضاوت بر اساس انصاف به دلیل ضعف‌های سیستم قضایی به اهداف خویش دست نیافته‌اند. این مقاله در صدد است تا اولاً به‌طور مختصر رابطه دادگاه و داوری را تشریح نماید و ثانیاً میزان و حدود مداخله دادگاه در هر مرحله به تفکیک بیان کند و ثالثاً با بررسی رابطه دادگاه و داوری موارد دخالت دادگاه در رسیدگی داوری و امکان تحدید دخالت دادگاه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. به نظر می‌رسد که هر چند مداخله دادگاه‌ها در جریان داوری امری استثنایی و خلاف اصل است؛ ولی باید گفت که مسئله‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود. حال باید دید که نقش دادگاه‌ها در جریان داوری چگونه است و چه عنوانی می‌توان برای آن انتخاب کرد؟ این مسئله می‌تواند در چگونگی مداخله دادگاه و میزان پیروی داوری از نظریات دادگاه‌های ملی مؤثر باشد. برای مثال اگر دادگاه نقش نظارتی داشته باشد می‌توانیم بگوییم که در هنگام اعتراض به آرای داوری و درخواست از این نهاد در داوری مداخله نماید و در صورتی که نقش دادگاه را به‌عنوان مساعدت در نظر بگیریم به نظر می‌رسد که تنها می‌توان گفت در مواقعی که از او درخواست شود می‌تواند مداخله نماید.

به‌طور کلی می‌توان سؤالی در خصوص مداخله دادگاه‌ها مطرح کرد با این خصوصیت که دلیل و فلسفه اصلی مداخله دادگاه‌ها در داوری چیست؟ اگر

داورسی و مراحل مختلف داورسی دگرگون شود. در تمامی این قبیل از ویژگی‌ها و مراحل که برای جریان داوری ذکر شده است می‌توان گفت که دخالت دادگاه‌های ملی لازم و ضروری است و نمی‌توان این مداخله را حذف نمود حتی در انواع مختلف داوری سازمانی که دارای قواعد مشخصی در عرصه رسیدگی می‌باشد و می‌تواند بسیاری از چالش‌ها را حل و فصل نماید.

توافق‌نامه داوری صرفاً اثبات رضایت طرفین در داوری و تعیین شرط داوری نیست؛ بلکه منبع اصلی قدرت دیوان داوری است. داوری به طرفین این فرصت را می‌دهد که داور خود را انتخاب کنند به روشی که در داورسی امکان‌پذیر نیست. یک ضعف بزرگ در روند داوری اختیارات محدودی است که دادگاه داوری ممکن است داشته باشد. کارایی یک دادگاه داوری به سیستم‌های ملی وابسته است. اختیاراتی که داوران در اختیار دارند که برای حل-وفصل امور مربوط به اختلاف نظر کافی است از اختیاراتی که به دادگاه حقوقی اعطا می‌شود کمتر است. اگر لازم باشد که یک داور مستقل عمل کند باید چنین اقداماتی را به‌طور غیر مستقیم و از طریق ابزار دادگاه‌ها انجام دهد؛ نه اینکه مستقیماً آن را انجام دهد.

شروع جریان داوری بعد از تشکیل هیئت داوری و انتخاب داوران صورت می‌پذیرد. شروع جریان داوری نیاز به دادخواست مجدد ندارد؛ بلکه در همان درخواست داوری خواهان به اختلاف ایجاد شده، دلایل خود و اسناد مربوط به داوری استناد می‌نماید و در نتیجه می‌تواند بعد از تشکیل داوری منتظر شروع جریان داوری باشد. ماده ۲ قانون داوری تجاری

می‌تواند موضوعیت پیدا کند. برای مثال در تحصیل دلیل می‌توان نقش مساعدتی دادگاه را ملاحظه نمود و در مسائلی مانند اجرای قانون حاکم یا جرح داوران نقش نظارتی دادگاه‌های ملی می‌تواند نبود داشته باشد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان در پژوهش حاضر به‌صورت برابر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

قانون‌گذار اجازه انتخاب داوری را به طرفین اختلاف داده است، به چه علت دادگاه‌ها در این نهاد مداخله می‌نمایند؟ اصولاً در نبود و عدم مداخله‌ای دادگاه‌ها چه مشکلاتی ایجاد خواهد شد؟ پاسخ به تمامی این موضوعات است که مشخص می‌کند نقشی دادگاه در کنار داوری چگونه قابل ارزیابی از چه روی می‌تواند با اصول مربوط به داوری قابل مقایسه باشد؟

شاید بتوان گفت که ماهیت داوری است که موجب شده است دادگاه‌ها مجوز مداخله در آن را داشته باشند. با توجه به اینکه مبنای داوری عبارت از قرارداد داوری است، نهاد داوری از جمله نهادهای عمومی نیست و قاضی نیز به‌عنوان نماینده هیئت حاکمه در این رسیدگی حضور ندارد. به همین سبب است که دادگاه‌ها در موضوع داوری به‌عنوان مساعدت با نظارت نقشی فعال خواهند داشت تا اینکه داوری بتواند بر اساس قرارداد ایجادشده و در راستای قواعد آمره و نظم عمومی به جریان بیفتد. این مسئله سبب می‌شود که بسیاری از مواردی که دادگاه‌ها در جریان داوری وارد می‌شوند از روای مساعدت باشد و حتماً نظارت و کنترل را در پی داشته باشد. البته دادگاه به‌طور مستقیم اجرای رأی نقش ندارد؛ بلکه تصمیم به شناسایی رأی و صدور حکم اجرایی است که موجب نظارت می‌شود و قوای قهریه را ملزم به اجرای رأی می‌نماید. بنابراین باید گفت که دادگاه‌ها در جریان داوری می‌توانند از دو جهت قابل بررسی باشد و دو وجهه بر آن می‌توان بار نمود: نقش نظارتی و نقش مساعدتی. ما یکی از این نقش‌ها را نمی‌توانیم انتخاب کنیم؛ بلکه نقش دادگاه در هر دو نوع قابل ملاحظه است و این اختلاف در مسائل مختلفی که در جریان داوری پیش می‌آید

منابع

فارسی

- طباطبایی نژاد، محمد، «نظارت قضایی بر اعمال قواعد آمره در داوری تجاری بین‌المللی»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره اول، ۱۳۹۵.
- مافی، همایون؛ تقی‌پور، محمدحسین، «ماهیت حقوقی داوری»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۱، ۱۳۹۶.
- محبی، محسن؛ کاویار، حسین، مجموعه مقررات جدید آنسیترال درباره داوری تجاری بین‌المللی، چاپ سوم، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.
- محمدزاده اصل، حیدر، داوری در حقوق ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹.
- نیکبخت، حمیدرضا، داوری تجاری بین‌المللی، آئین داور، چاپ دوم، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۰.
- هولتزمن، هواردام، «داوری در ایالات متحده آمریکا»، ترجمه علی قاسمی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی (دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری)، شماره ۲۵، ۱۳۸۱.
- لاتین
- Coulson, Robert, "International commercial arbitration in the United States of America", Journal Institute for International and European Law, No.23, 1989.
- Frances, Kellor, American Arbitration Its History (Functions and Achievements Beard book), First Edition, Harvard, Harvard University Press, 2000.
- Wilner, Gabriel M, Domke on Commercial Arbitration The law and practice of Commercial Arbitration, 3rd ed, out of place, Published Partial stock, 2003.
- ابریشمی، «ساختار حقوقی نظام داوری: سیستم واحد یا دوگانه»، مجله پژوهش حقوق خصوصی شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۵.
- اسکینی، ربیعا، داوری بین‌المللی، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۷.
- بختیاری فر، محمدهادی، نقش دادگاه در داوری‌های ملی و فراملی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- براتی، جعفر؛ خسروی، احمد؛ برزگری دهج، حمید، «بررسی تطبیقی مصونیت داور در حقوق ایران، در مقایسه با نظام داوری تجاری بین‌الملل و نظام داوری داخلی ایالات متحده آمریکا و انگلستان و ولز»، مجله پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ عناصرشناسی حقوق مدنی- حقوق جزا، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۲.
- جنیدی، لعیا، اجرای احکام داوری‌های تجاری بین‌المللی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۵.
- دیلمقانی‌زاده، فرزاد؛ کیهانلو، فاطمه؛ زرگر، افشین، «جایگاه داوری در نظام حقوقی ایران و آمریکا با تأکید بر قوانین داخلی»، مجله جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۹.
- راستبد، مازیار؛ رستمی، عباداله، «بررسی اصل استقلال شرط داوری در حقوق ایران و آمریکا»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
- صفایی، حسین، حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، چاپ نهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۷.